

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۴ جون ۲۰۱۹

## توسل به سیاست اقتصادی نوین ("نپ") در شوروی سوسیالیستی، برای توجیه نظام سرمایه‌داری در چین (۱)

کمونیسم جنگی؛ کمونیسمی بود که در زمان جنگ جهانی اول و مبارزه با ضد انقلاب گارد سفید در شوروی برقرار بود. دولت شوروی در این دوران برای تأمین مخارج جنگ داخلی و خارجی نیاز به این داشت که مازاد محصول دهقانان را از آنها اخذ نماید و برای مصارف جاری به مصرف برساند. هر چه دهقانان تولید می‌کردند، به جز بخشی که خود برای سد جوع احتیاج داشتند از آنها اخذ می‌شد. این وضعیت تا زمانی که جنگ جهانی اول و سپس جنگ داخلی در مجموع به مدت ۷ سال ادامه داشت و دهقانان از بازگشت مالکان و بازگشت به وضع سابق هراس داشتند، به عنوان یک رویه معقول؛ حتی برای خود دهقانان قابل پذیرش بود. کمونیستها حتی در این زمینه به زیاده‌روی پرداختند و موجبات نارضایتی دهقانان را فراهم آوردند. لنین می‌گفت که ما در این تعرض زیاد به جلو رفته‌ایم و حال برای آن که از پشت جبهه منزوی نشویم باید به عقب‌نشینی تن در دهیم تا خود را برای تهاجم بعدی آماده کنیم.

ولی با تغییر شرایط بعد از سرکوب آشکار ضد انقلاب باید در روش کمونیستها متناسب با شرایط روز تغییر به وجود می‌آمد. در این دوره به جای دریافت مازاد تولید از دهقانان؛ سیاست مالیات جنسی بر تولیدات کشاورزی حاکم شد. دهقانان، تولید اضافی خویش را حفظ کرده ولی بابت آن مالیات می‌پرداختند. مالیات جنسی کمتر از میزانی بود که از مازاد تولید دهقانان اخذ می‌گردید. دهقانان مجاز بودند بعد از پرداخت مالیات؛ مازاد تولید خویش را در بازار فروخته به داد و ستد مشغول شوند تا وضعیت اقتصادی آنها و در نتیجه وضعیت شهرها و داد و ستد میان شهر و ده افزایش و بهبود یابد. بدون بهبود وضعیت دهقانان امکان نداشت محصولات صنعتی را در کشاورزی به کار گرفت. پیامدهای این سیاست طبیعتاً رونق سرمایه‌داری در شوروی بود. زیرا آزادی بازرگانی تا اندازه‌ای موجب رونق سرمایه‌داری می‌شود. برای این که تبادل کالا بین شهر و ده صورت پذیرد باید به صاحبان صنایع خصوصی اجازه داده شود که بنگاههای کوچکی تأسیس کرده و در بازار به داد و ستد بپردازند.

برای این که درک کرد به چه مناسبت کمونیستها در یک کشور مملو از خرده‌دهقانی با سرمایه‌داری عقب‌مانده به اتخاذ چنین سیاستی (سیاست اقتصادی نوین نپ) متوسل شدند، باید وضعیت آن دوران را از نظر گذرانید.

در آن زمان بنیه و توان کشور شوروی تحلیل رفته و اقتصاد به ورشکستگی دچار شده بود. به علت سقوط تولیدات کشاورزی غله به شهرها نمی‌رسید و قحطی و گرسنگی در همه جا خود را نشان می‌داد. کارگران و به طور کلی

شهرها به علت کاهش تولید، فقدان سوخت و وسایل حمل و نقل از لحاظ نان و مواد کشاورزی در مضیقه بودند. کارگران گرسنه، کارخانه‌ها را ترک کرده و برای سدجوع به روستا هجوم می‌آوردند. کارخانه‌های بسیاری تعطیل شده و در آن مؤسسات تولیدی نیز که هنوز کار می‌کردند تولیدات در سطح نازلی قرار داشت، نان نبود، لباس نبود، کفش نبود، نمک نبود؛ نفت نبود. دولت سوسیالیستی نمی‌توانست در مقابل غله‌ای که از دهقانان دریافت می‌کرد به آنها کالاهای صنعتی بدهد. داد و ستد میان شهر و روستا مختل شده بود. دهقانان و کارگران از نیازهای اولیه زندگی محروم بودند.

لنین "به‌مناسبت چهارمین سالگشت انقلاب اکتوبر" نوشت:

"ما حساب می‌کردیم و شاید هم بهتر است بگوئیم بدون آن که به‌اندازه کافی حساب کنیم فرض می‌کردیم که با اوامر مستقیم دولت پرولتری تولید دولتی و توزیع محصولات دولتی را به شیوه کمونیستی در یک کشور خرده‌دهقانی عملی سازیم. جریان زندگی اشتباه ما را نشان داد. یک سلسله مراحل انتقالی یعنی سرمایه‌داری دولتی و سوسیالیسم لزوم یافت تا انتقال به کمونیسم را تدارک ببینیم و آنها با فعالیتی که سنوات مدیدی به‌طول می‌انجامد تدارک ببینیم. باید به‌خود زحمت دهید که نه بر زمینه مستقیم شور و هیجان، بلکه به‌کمک شور و هیجانی که مولود انقلاب کبیر است، بر اساس ذینفع و ذیعلاقه کردن اشخاص و بر اساس اصل بازرگانی، نخست پلهای استواری را که در کشور خرده‌دهقانی بین سرمایه‌داری دولتی و سوسیالیسم قرار می‌گیرد بسازید؛ در غیر این صورت به کمونیسم نزدیک نخواهید شد، در غیر این صورت ده‌ها و ده‌ها میلیون نفر را به کمونیسم نخواهید رساند". (منتخابات لنین به‌فارسی جلد دوم قسمت دوم ص ۷۲۵).

"لنین بر این عقیده بود که تا اندازه‌ای آزادی داد و ستد موجب علاقه مندی اقتصادی دهقان می‌گردد، قوه تولیدی وی را بالا برده موجب ترقی سریع کشاورزی می‌شود و بر روی این اساس صنایع دولتی مستقر و سرمایه خصوصی از دُوران بازار کنار زده خواهد شد و نیز؛ با گرد آوردن نیرو و وسایل؛ می‌توان صنایع نیرومندی را که پایه اقتصاد سوسیالیسم است به وجود آورد و سپس تعرض قطعی را آغاز کرد تا این که بازمانده‌های سرمایه‌داری را در کشور نیست و نابود ساخت" (تاریخ حزب کمونیست بلشویک شوروی چاپ توفان صفحه ۴۱۶).

لنین تفاوت میان کمونیسم جنگی و دوران اقتصادی "نپ" را چنین توضیح می‌داد:

"کمونیسم جنگی آزمایشی بود برای این که بتوان دژ عناصر سرمایه‌داری شهر و ده را با یورش و هجوم مستقیم تسخیر کرد" و سیاست اقتصادی نوین عقب‌نشینی بوده "تا بتوان موقتاً به‌پشت جبهه نزدیکتر شد و از یورش، به محاصره طولانی‌تر این دژ اقدام ورزید تا این که پس از جمع‌آوری نیرو از نو تعرض را آغاز نمود." (همانجا)

"تصمیم‌کنگره دهم در باره نپ، اتحاد اقتصادی محکم طبقه کارگر و دهقانان را برای ساختمان سوسیالیسم تأمین می‌کرد." تاریخ حزب کمونیست بلشویک شوروی چاپ توفان صفحه ۴۱۸).

"لنین خاطر نشان می‌نمود که مفهوم نپ مبارزه شدید حیاتی و مماتی بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم است. مسأله اساسی در این است که "کدام یک پیروز خواهند شد". برای به‌دست آوردن پیروزی باید به همپیوستگی طبقه کارگر و دهقان و صنایع سوسیالیستی و اقتصاد روستائی را به وسیله توسعه همه جانبه مبادله جنس در میان شهر و ده تأمین نمود." (همانجا ۴۲۲)

"کنگره خاطر نشان کرد که واقعیت را نمی‌توان فراموش کرد که در کشور، اقتصاد خرده روستائی برتری دارد. کنگره به‌ویژه متذکر شد که ترقی صنایع، از آنجمله صنایع سنگین، باید مخالف با منافع توده‌های دهقانی نباشد، بلکه باید به منافع توده‌های دهقانی و همه اهالی زحمتکش پیوستگی داشته و توسعه و رشد یابد. این تصمیمات، به ضد تروتسکی

متوجه بود که پیشنهاد می‌کرد صنایع به وسیله بهره‌مندی از اقتصاد روستائی برپا گردد، زیرا وی در عمل، منکر سیاست اتحاد پرولتاریا و دهقان بود" (همانجا ۴۲۷).

از نظر سیاسی و تطور طبقاتی، طبقه کارگر به سوی اضمحلال می‌رفت و پایه‌های دیکتاتوری پرولتاریا به خطر افتاده بود. دیکتاتوری پرولتاریا در یک کشور خرده‌دهقانی معنای دیگری ندارد، جز این که پرولتاریا برای جلب و تأمین اکثریت، برای این که زبان اکثریت جامعه باشد، برای این که بتواند اراده اکثریت را بر جامعه تحمیل گرداند و به سوی سوسیالیسم روان گردد، باید با دهقانان غیر کولاک (دهقان سرمایه‌دار در روستا-توفان) اتحاد کند. ولی این اتحاد متلاشی شده بود، زیرا کارگران نمی‌توانستند به دهقانان چیزی دهند که وضعیت نابسامان زندگی آنها را بهبود بخشیده و اعتماد آنها را به سرکردگی پرولتاریا تأمین کنند. به این جهت نه تنها این اتحاد شکستنی شده بود، بلکه نقش رهبری پرولتاریا در این اتحاد که شرط تعیین ماهیت دیکتاتوری پرولتاریاست نیز به‌زیر پرسش می‌رفت. لنین در این زمینه نوشت:

"۶- برقراری مناسبات متقابل صحیح اقتصادی بین پرولتاریا و دهقانان

اتحاد بین دهقانان خرده‌پا و پرولتاریا از نقطه نظر سوسیالیستی فقط در صورتی می‌تواند کاملاً صحیح و استوار باشد، که حمل و نقل و صنایع بزرگ کاملاً احیاء شده، به پرولتاریا اجازه دهد، در عوض دریافت خواربار از دهقانان، کلیه محصولاتی را که مورد نیاز آنهاست و برای بهبود اقتصاد آنان ضرورت دارد در اختیار آنان بگذارد. با وجود ویرانی عظیم کشور، حصول فوری این مقصود به هیچ وجه ممکن نبود و سیستم ضبط مازاد برای کشوری دارای تشکل غیرکافی؛ عملی‌ترین اقدام بود برای آن که بتوان در جنگ بینهایت دشوار ضد ملاکین ایستادگی نمود. خشکسالی و بی-علیقی سال ۱۹۲۰ احتیاج دهقانان را، که بدون آنهام شدید بود بسیار شدت داد و انتقال بیدرنگ به مالیات جنسی را بی-چون و چرا ضروری ساخت.

مالیات جنسی معتدل فوراً موجب بهبود فراوان وضع دهقانان می‌گردد و در عین حال آنها را با توسعه کشتزارها و بهبود زراعت علاقه مند می‌سازد.

مالیات جنسی انتقالیست از ضبط کلیه مازاد غله دهقانان به شیوه سوسیالیستی صحیح مبادله محصول بین صنایع و زراعت." (منتخبات لنین به فارسی جلد دو قسمت دوم صفحه ۶۹۳).

و در ادامه آن آورد:

"۸- موفقیت‌های سیاست ما در رشته خواربار... دولت کارگری فقط در صورت داشتن یک ذخیره واقعی کافی خواربار قادر خواهد بود از لحاظ اقتصادی روی پای خود استوار بایستد و احیای صنایع بزرگ را، گرچه به آهستگی ولی بلاانحراف، تأمین نماید و یک سیستم مالی صحیح به وجود آورد." (لنین فارسی جلد دوم قسمت دوم صفحه ۶۹۵).

در این دوره به عللی که برشمرده شد حزب بلشویک نیاز به یک عقب‌نشینی داشت. ولی منظور از عقب‌نشینی و اتخاذ این تاکتیک به این مفهوم نبود که باید ستراتیژی و هدف سوسیالیسم را از یاد برد و به سرمایه‌داری تسلیم شد. این مبارزه طبقاتی مانند همان جنگ است. در جنگ نیز شما شاید مجبور شوید زیر آتش سنگین دشمن عقب نشست و با ارزیابی جدید، تاکتیک جدید اتخاذ کنید، نیروی بیشتری گرد آورید، تسلیحات خود را بهبود بخشید و به مانورهای جدید دست زنید و همه این فعالیتها در خدمت آن است که به تهاجم قدرتمندتر برای نابودی دشمن طبقاتی بپردازید. این عقب‌نشینی برای خیز برداشتن است. عقب‌نشینی بلشویکها عقب‌نشینی در مقابل نظام سرمایه‌داری نبود، عقب‌نشینی برای کسب تنفس بود، تا بتوانند بهتر سرمایه‌داری را درهم بکوبند. ماهیت این عقب‌نشینی سازشکارانه نبود مبارزه‌مجویانه بود.

ادامه دارد...

برگرفته از توفان شماره ۲۳۱ خرداد ماه ۱۳۹۸ - جون ۲۰۱۹

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)